



ضامن غرامت

هدف عملیات تأمین جاده بصره - روستاهای القزیه و العزیز به منظور قطع ارتباط سپاه‌های سوم و چهارم ارتش عراق و استقرار در ساحل شرقی رودخانه دجله و همچنین تصرف دو جزیره مجنون شمالی و مجنون جنوبی و نیز تسلط بر هورالهوره بود که می‌توانست ضامن غرامت جنگ باشد

آماده شدن رزمندگان قبل از آغاز عملیات در منطقه عملیاتی خیبر - عکس: تسنیم صادقی

قدرت برکنار خواهد شد. فرماندهان سپاه اما تحلیل دیگری داشتند، آنان معتقد بودند هر پیروزی نظامی ایران، پیروزی سیاسی محسوب شده و امریکا به سادگی آن را تحمل نخواهد کرد، لذا با حمایت بیشتر از عراق جنگ طولانی‌تر خواهد شد. از این رو باید با چند عملیات بزرگ و مؤثر رژیم بعث عراق را در آستانه سقوط قرار داد تا امریکا به منظور جلوگیری از سقوط کامل منطقه و از روی ناچاری به شرایط ایران تن دهد. همزمان با عملیات خیبر، عملیات انحرافی دیگری در تنگه چزابه با عنوان والفجر ۶ انجام گرفت که با پانک سخت ارتش عراق مواجه شد و فرماندهان سه گردان عمل کنند به همراه تعداد زیادی از نیروهای رزمنده آنها به شهادت رسیدند و پیکرشان در صحنه عملیات باقی ماند. عملیات خیبر، با بسیج ۲۰۰ گردان و ۵۰۰ قایق به اجرا درآمد و نیروهای پیشتانز با ۲۳ فرزند بالگرد هوانیروز، نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش در محل‌های از قبل تعیین شده در میان هور هلی برد شدند. فرماندهان ارتش که در طرح ریزی این عملیات شرکت نداشتند، تأمین نشدن آتش پشتیبانی و تدارک‌رسانی به نیروها را به عنوان نقطه ضعف مطرح می‌کردند. با وجود این، همزمان با عملیات در هور، ارتش در منطقه زید عملیات دیگری را طرح‌ریزی کرد. در مجموع در هر دو منطقه هور و زید ۹ لشکر و ۶ تیپ پیاده، ۲ لشکر و ۳ تیپ زرهی از نیروهای خودی پای کار آمده بودند. عملیات خیبر از هر جهت عملیاتی متفاوت با سایر عملیات‌های پیشین مجنون شمالی و جنوبی به تصرف با ابتکار جدید رزمندگان همراه بود

مرور آموزه های نخستین عملیات در منطقه ای آبی - خاکی

ابتکار و جسارت؛ دو ویژگی عملیات خیبر

۳۰۰

مأموریت

قبل از عملیات حدود ۳۰۰ مأموریت شناسایی در هور و حدود ۱۰۰ مأموریت شناسایی در خشکی انجام گرفته و قایق‌هایی از جنس فایبرگلاس برای انتقال رزمندگان طراحی و ساخته شد. این قایق‌ها حتی پس از واژگون شدن غرق نمی‌شدند و سرنشینان آن می‌توانستند خود را نجات دهند.

گزارش

اسماعیل علوی دبیر گروه پایداری

بعد از تردیدها و مشورت‌های بسیار اولین عملیات آبی - خاکی ایران با نام «خیبر» آماده اجرا شد. این عملیات که توسط سپاه پاسداران طراحی شده بود، دارای ویژگی‌های ابتکاری و جسارت‌آمیزی بسیاری بود. زیرا شرایط زمین، تاون و امکانات دو ارتش متخاصم، فرماندهان سپاه را به ایده کشوق جبهه جدیدی در نيزاهای هویزه و عبور دادن حدود ۲۵۰ هزار رزمنده از این طریق به بیابان‌های اطراف شهر بصره عراق رسانده بود. هدف عملیات تصرف و تأمین جاده بصره - عماره در محدوده روستاهای القزیه و العزیز به منظور قطع ارتباط سپاه‌های سوم و چهارم ارتش عراق و استقرار در ساحل شرقی رودخانه دجله و همچنین تصرف دو جزیره مجنون شمالی و مجنون جنوبی و نیز تسلط بر هورالهوره بود که می‌توانست ضامن غرامت جنگ باشد. قرار بود رزمندگان با قایق، خود را به ساحل شرقی دجله رسانده و از آنجا به صورت جنگ‌های نامنظم راه ناصره را نامن کند و مقدمات تصرف بصره را فراهم آورند. در نتیجه این عملیات بصره با خطر سقوط مواجه و راه دسترسی عراقی‌ها به آبراهه‌های منطقه نیز مسدود می‌شد. این استراتژی به قوای نظامی کشورمان موقعیت برتری در منطقه می‌بخشید، تا آنجا که آقای هاشمی رفسنجانی خطاب به فرماندهان می‌گفت: «اگر شما به اهداف این عملیات برسید من به شما قول می‌دهم که جنگ پیروزمنده تمام می‌شود». شروع عملیات، دوم اسفند ۱۳۶۲ در نظر گرفته شده بود، اما به منظور آمادگی بیشتر با یک روز تأخیر به اجرا درآمد. اولین کسانی که برای عملیات اعلام آمادگی کردند سرداران «حسین خراز» و «محمد ابراهیم همت»، فرماندهان دولشکر خط شکن «امام حسین (ع)» و «۲۷ محمد رسول الله (ص)» بودند. چند روز قبل از عملیات سه نفر از نیروهای اطلاعات عملیات به اسارت نیروهای دشمن درآمده بودند. این موضوع می‌توانست موجب لو رفتن عملیات و عاملی شود تا فرماندهان عالی‌رتبه در اجرای عملیات تسریع کنند.

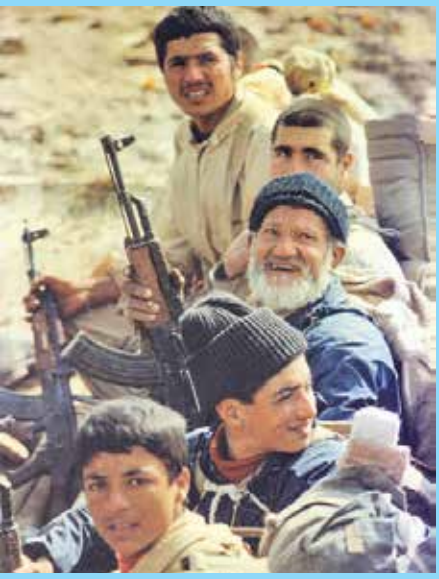
با شروع عملیات، رزمندگان با برخورداری از صلح‌گافگیری دشمن، اهداف اولیه را تأمین و خود را به ساحل شرقی دجله رساندند و با آب آن وضو گرفتند. یک هفته قبل از آغاز عملیات اصلی، عملیات انحرافی والفجر ۵ در منطقه جنگوله به اجرا درآمد بود. هدف از این عملیات درگیر کردن سپاه دوم ارتش عراق در منطقه ای در حداقل دهلران تا مهران بود. طرح و مجری این عملیات نیز سپاه بود که توانست تا حدودی یگان‌های ارتش عراق را در این منطقه درگیر نگه دارد و در اعزام آنها به منطقه عملیاتی خیبر تأخیر ایجاد کند. در این عملیات فرماندهان بزرگی همچون حسین خراز، ابراهیم همت، احمد کاظمی، مهدی باکری، حمید باکری، مهدی زین الدین، کاظم رستگار، کریم نصر و ده‌هاتن دیگر فرماندهان سپاه پاسداران به همراه رزمندگان دلور تیب و لشکرهای سپاه، قوای دشمن را ده‌ها بار تا آستانه شکست کامل بردند. برخی از این دلوران همچون حسین خراز در این عملیات مجروح شدند و برخی دیگر به شهادت رسیدند. در این عملیات رزمندگان، منطقه‌ای به

وسعت یک هزار کیلومتر مربع در هورالظیم، ۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر مجنون و ۴۰ کیلومتر مربع در طلائیه را آزاد کردند. ویژگی‌های هور برای عملیات پیش از این در عملیات رمضان قابل‌توجه بود. هور به عنوان گزینه‌ای برای نفوذ به عمق مواضع دشمن توجه فرماندهان را به خود جلب کرده بود. ارتش و فرماندهی یگان‌ها در عملیات به نقطه‌ای رسید که آقای هاشمی با هدف ایجاد هماهنگی بیشتر به سمت فرماندهی کل قوا منصوب شد. به دنبال این انتصاب ستادی مشکل از نیروهای ارتش و سپاه در قرارگاه خاتم‌الانبیا تشکیل و قرارگاه کربلا (ارتش) به فرماندهی سرهنگ صیادشیرازی و قرارگاه نجف (سپاه) پاسداران) به فرماندهی محسن رضایی تحت امر فرماندهی کل جنگ درآمدند. استراتژی ایران در این زمان این‌آبگرفتگی طبیعی امکاتی بود برای نزدیک شدن به هدف مهم یعنی شهر بصره. قبل از عملیات حدود ۳۰۰ مأموریت شناسایی در هور و حدود ۱۰۰ مأموریت شناسایی در خشکی انجام گرفته و قایق‌هایی از جنس فایبرگلاس برای انتقال رزمندگان طراحی و ساخته شد. این قایق‌ها حتی پس از واژگون شدن غرق نمی‌شدند و سرنشینان آن می‌توانستند خود را نجات دهند. شرایطی صدام نیز سقوط کرده و از

قابلیت‌های منطقه هور پیش از این در عملیات رمضان قابلیت‌های منطقه هور به عنوان گزینه‌ای برای نفوذ به عمق مواضع دشمن توجه فرماندهان را به خود جلب کرده بود. ارتش عراق در این منطقه قادر نبود از تمام ظرفیت و توانمندی‌های خود استفاده کند و در واقع با انتخاب این منطقه برای عملیات، ابتکار عمل و خلاقیت جایگزین کمبود منابع نظامی و تجهیزات می‌شد.



برش



یک بار دیگر یاد شهیدان

همراه با کاروان‌های راهیان نور از اول اسفند ماه

گزارش

حسن عبدالله‌زاده

پار کرده بود که روح را به یاد آنان به پرواز درمی‌آورد. تا آنجا که این روزمثل هر روز نبود و بار روزه‌های دیگر فرق داشت. یک بار دیگر چیزی شبیه دلتنگی در وجودت جان می‌گیرد. احساس می‌کنی دلت را گم کرده‌ای. شهر را نمی‌توانی تحمل کنی. پنجره‌های بسته و لحظه‌های سربی را نمی‌توانی تحمل کنی. با خود می‌اندیشی چگونه می‌توان این روزه‌های با ایشتم سر گذاشت و به روزه‌های بهاری خاطرات رسید! دلت برای دو رکعت گریه در همسایگی نخل‌های جنوب تنگ شده است. دلت می‌خواهد یک بار دیگر کیسوان سوخته نخل‌های خرمشهر را نوازش کنی یا در تنهایی هور حاضر شوی و ناله‌های غریب و مظلوم بچه‌ها را از لگوی نی‌های آن بشنوی. هیاهوی شهر تو را بی‌حوصله کرده است. از یکناختی روزه‌ها به تنگ آمده‌ای، دیگر تاب و توان ماندن نداری. یاد مهدی، محسن، غلامحسین، سعید، حسین، بهروز، هادی، علی، ناصر و... دلت را هوایی کرده است. قرار نداری، باهایت رهنسپاری در امتداد دلت را تمنا می‌کنی، احساس می‌کنی در عمق دلتنگی‌ها، در هیاهوی شهر بی‌پرواز گم شده‌ای. با خود می‌گویی باید بروم، باید یک بار دیگر در خلوت خاموش شهیدان حضور یابم و دلتنگی‌هایم را مویه کنم و تصمیم‌ات را می‌گیری!



با خود می‌اندیشی چگونه می‌توان این روزه‌های عقیم را پشت سر گذاشت و به روزه‌های بهاری خاطرات رسید! دلت برای دو رکعت گریه در همسایگی نخل‌های جنوب تنگ شده است

اردوی راهیان نور محمل هجرت از دلتنگی‌های کسالت‌آور به ابتدای ابدیت است و هزاران سینه داغدار لاله‌ها تو را در این سفر همراهی می‌کنند، هزاران دل سوخته. صف‌های باصفای نماز جماعت فرصتی است تا فضای صمیمی و مهربان آن روزه‌ها بار دیگر تکرار شود و گریبای جبهه‌ها پیش روی افق بگشاید. آنجا یک بار دیگر هم نفسان و همنشینان شهیدان به روایت فتح‌الفتوح ایمان می‌پردازند... این خاکریزها را دشمن در روزه‌های اول جنگ زد... عراقی‌ها تا اینجا آمده بودند... از اینجا تا اهواز ۲۵ کیلومتر بیشتر فاصله نیست... سیل... باتلاق... تانک... پیشروی دشمن... همه چیز تو را به روزه‌های اول جنگ و خاطرات آن ایام می‌برد و دلواپسی‌ها و جوش و خروش‌های آن روزه‌ها را به یاد می‌آورد. سفر معنوی راهیان نور از جاده‌ها آغاز می‌شود. انتهای این جاده‌ها، به جاده شهید همت در دل هورالظیم منتهی می‌شود. نام هور ولوله‌ای به پی‌امی‌کنند، همه‌های شورانگیز. از میان آن همه کلمات: خیبر... رمضان... غواص‌ها... بلم... کمین... نیاز... و شهید، بیشتر از بقیه به گوش می‌خورند. هور هنوز روزه‌ای به بهشت دارد. آنجا می‌توان سراغ فرشته‌ها را گرفت. از آنجا بود که شهید باکری تا خدا اوج گرفت.



عکس: تسنیم

هجرت دیگری هستند، هجرتی به فاصله زمین تا آسمان، هجرتی از خود تا خدا، هجرتی از... زائران راهیان نور، مسافران ملکوت‌اند که به طمع نوشه‌ای می‌روند. کیست که زیارت شلمچه را آرزو نکرده باشد، کدام یک از شما تا به حال با خود نگفته، حال که در شب‌های عملیات در شلمچه نبودم و مادران شهید اقتدا کرده و همراه آنان در خلوت خویش بگرییم و آرام از کنار غربت شهادت‌های بچه‌های بگذریم. شهرها یک بار دیگر مهیای

پس کوچه‌های حنجره می‌گذرند و در گلو می‌ترند و از چشم‌ها جاری می‌شوند. مادرانی که با دست‌های خود لباس شهادت بر اندام پاره‌های جگرشان انداز کرده‌اند، بار دیگر بگذارند و روزه‌های فراوان مویه کنند. رویشان لبخند زند.

ای کاش می‌توانستم بر خاک شلمچه قدم بگذارم و با نسیمی که از سمت شهیدانش می‌وزد جانی تازه کنم و نگاه را از دو پنجره چشم به سوی آسمان شلمچه روانه کنم. یوسف گم‌کرده‌ها زودتر از جسمشان روحشان به شلمچه می‌رسد و با آستانش می‌ایستند. رویه‌روی تابلو «با وضو وارد شوید اینجا خون شهید بر زمین ریخته است.» قدری تأمل می‌کنند آنگاه بغض‌ها با عجله از